

چگونگی علم خداوند به موجودات

اثرات تربیتی توجه به احاطه علمی پروردگار

۸ - الله يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما

تزداد وكل شيء عنده بمقدار .

: خداوند از وضع جنین هر زن بارداری آگاه است و میداند آنچه را که رحمها از بین میبرند و سقط میکنند و آنچه را که میفرایند . و هر چیزی نزد او به اندازه معین و میزان خاصی است .

۹ - عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال .

خدائی که آگاه از پنهان و آشکار و بزرگ و برتر است .

۱۰ - سواء منكم من اسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف

بالليل وسارب بالنهار: در پیشگاه او یکسانست که کسی سخنی را پنهان دارد (یا آهسته سخن بگوید) یا آنرا آشکار سازد ، و کسی که در تاریکی شب راه برود ؛ یا در روز روشن راه ببیماید .

محیط و مسلط می باشد .

* * *

عقل و خرد در این باره می گوید : نظام هر ورقی از اوراق هستی ، هر برگگی از گیاهان ؛ هر اتمی از اتمهای بی شمار ، هر ذره ای از ذرات وجود انسان ، هر سلولی از سلولهای جانداران ، هر سیاره ای از سیارات آسمان ، گواهی می دهند که آفریدگار آنها از تمام خصوصیات وجودی آنها آگاه است ، و هرگز بدون آگاهی کامل ، از

هدف ابتدائی این آیات ، معرفی علم محیط خداوند است و اینکه خدا ، از رازهای پوشیده ارحام ، از وضع جنینهایی که در آن قرار دارند ، آگاه است ، و پنهان و آشکار ، شب و روز ، صداهای آهسته و بلند ، برای او یکسانست و از کارهای مخفی و آشکار بندگان خود ، مطلع و آگاه میباشد ، و چون او بزرگ و برتر است بر تمام مصنوعات خود ،

انسانی بر خود او واضح و روشن است و هر فردی از روحيات و ملكات خوب و بد خویش ، آگاهی كامل دارد ؛ ديگر اينجاميان عالم و معلوم چيزی واسطه نيست .

مثال ديگر : ما از صورتهای ذهنی خود آگاهیيم زیرا اين صورتهای پيش ما حاضر و برای درك آنها نياز به اين نداريم كه تصويری از اين صورتهای بر گيريم ، بلكه خود اين صورتهای را به روشنی درك می كنيم و در نزد روح خود حاضر می بينيم .

علم خدا به مصنوعات و مخلوقات خود ؛ از قبيل نوع دوم است او در علم خود به آنچه كه آفریده ؛ نيازی به تصوير ندارد بلكه تمام موجودات جهان با واقعيتهای خارجي خود ، نزد خدا حاضرند . و میان او ؛ و مخلوق فاصله وجدائی نيست .

فلسفه اسلامی ، علم حضوری خدا را به موجودات از طرق گوناگون ثابت نموده است ، و كوتاهترين راه آنست كه اين حقيقت را از تدبير در مسأله آفرينش موجودات بدست آوريم جای گفتگو نيست كه خداوند وجود دهنده و ما وجود پذيريم .

در اين صورت آیا لازمه ايجاد يك موجود ؛ اين نيست كه در نزد موجود سازنده آن ، حاضر باشد ؟ . آیا ايجاد و پديد آوردن يك شيشی ؛ باغيبت و عدم حضور آن ، نزد وجود دهنده می سازد ؟

و به عبارت ديگر ايجاد يك شيشی بدون توجه وجود دهنده و حضور وجود پذير ، در نزد آفريننده .

امكان پذير هست ؟

بار ديگر ، تصويرهای ذهنی خود را مورد

رازههای درونی و برونی يك مصنوع نمیتوان آنرا ، با اين نظم شكفت انگيز ، آفرید .

آيا می توان گفت : سازنده يك هوايما ، از قسمتهای علمی و فنی ، آن بی خبر است ، یا نویسنده يك دوره دائرة المعارف از محتويات آن اطلاع ندارد .

قرآن اين حقيقت علمی را بالطفترين بيان ، توضيح داده و ميفرماید : **الايعلم من خلق و هو اللطيف الخبير** (سوره ملك آيه ۱۴) : آيا اواز اوضاع مخلوق و مصنوع خود آگاه نيست ، در حاليكه او است باريك بين و آگاه .

بار ديگر بر گريدیم مسأله را از راه ديگر مورد بررسی قرار دهيم . و آن اينكه حقيقت علم و آگاهی از چيزی جز حضور آن ، نزد شخص آگاه چيزی نيست ، چنانكه حقيقت جهل و نا آگاهی نيز جز غيبت و پنهانی شيشی ، از انسان ، معنی ديگری ندارد .

البته حضور يك شيشی ، نزد انسان بر دو نوع است ، گاهی وجود خارجي شيشی نزد انسان نيست ، اما تصويری از آن نزد او حاضر است ؛ مثلاً افرادی كه به زيارت خانه خدا رفته اند ، و الان فرسنگها از آن فاصله گرفته اند هر موقع بخوانند ميتوانند از طريق تصوير ذهنی كعبه ، به آن نقطه توجه پيدا كنند . و گاهی خود شيشی خارجي ، بدون وساطت تصويری در نزد ما (روح) حاضر است ، و چيزی میان عالم و معلوم واسطه نيست . (۱)

روشنترين مثال برای اين نوع آگاهی ، علم انسان به خود انسان است زیرا حقيقت و واقعيتهای

(۱) در اصطلاح فلسفه نوع اول را علم حصولی و دوم را علم حضوری می نامند .

علمی خداوند به موجودات است و اینکه آشکار و پنهان برای او یکسان می باشد به دلیل مسأله بایمان دو صفت از اوصاف خدا ، « الكبير المتعال » اشاره نموده است ، زیرا « كبير » (بزرگ) در مورد خداوند به معنای احاطه او بر همه موجودات است و لازمه این احاطه اطلاع بر اوضاع محاط می باشد « متعال » یعنی بسیار بلند مقام ، یعنی خداوند عالی است و در علم خود نیز برتر می باشد و بر موجودات و مصنوعات خود نیز مسلط است همانطور که هر موجود عالی تر بر موجودات پائین تر تسلط دارد .
 در واقع این دو صفت دلیلی است بر اطلاع او از آشکار و پنهان (عالم الغیب والشهادة)

۲- چون مقصود از «ماء» در «ما تمحل» چنین است از این نظر ناچار مقصود از «ماء» در دو جمله بعدی (و ما تفيض الارحام و ما تزاد) نیز همان چنین خواهد بود از آنجا که غیض در لغت عربی به معنای نقض و کم شدن است (۱) ناچار هدف آیه این است :
 خدائی میداند آنچه را که رحما بر میدارند (و دوران حمل را بطور طبیعی به پایان میرسانند) و آنچه را که کم میکنند ، (و پیش از وقت طبیعی سقط میکنند) و آنچه را که رحما می افزایند (و بیش از یکی پرورش میدهند) .

و به عبارت دیگر: مقصود از «و ما تفيض الارحام» به قرینه جمله بعدی «و ما تزاد» همان کم کردن رحم است ، و مقصود از کم کردن رحم به قرینه «ما تمحل کل اشی» همان سقط کردن و حمل نکردن

بررسی قرار دهیم تمام این صور، مخلوق و آفریده روح و روان و قوای ادراکی است و تا وجود دارند در نزد روح و قوای مدرک ما حاضرند و میان ما و آنها حدائی نیست .

به همین ترتیب تمام موجودات جهان همگی مخلوق خدا و حاضر در نزد اومی باشند .

يك بر نامه تربیتی

آشنائی به صفات خدا ، خود گرچه يك نوع کمال معنوی و روحی است ولی در عین حال اعتقاد به چنین خدای آگاه از درون و بیرون خود يك مکتب تربیتی است که افراد با ایمان و معتقد را از بسیاری از کارهای نکوهیده باز می دارد .
 چه برنامه ای بالاتر از اینکه بدانیم از نخستین لحظه زندگی، از روزی که بصورت سلولی در رحم صادر قرار داریم ، تا لحظه ای که بخاک سپرده می شویم ، مراقبی بزرگ و برتر متوجه اعمال و کردارهای ما است و از آنچه که ما انجام میدهیم کاملاً مطلع و آگاه می باشد آیا با وجود چنین مراقبی شایسته است ب فکر گناه و نافرمانی او باشیم .

نکاتی چند در آیات

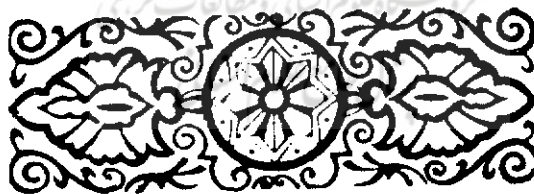
۱- قرآن در طرح معارف عقلی راه تعبد را پیش نمی گیرد ، بلکه غالب موارد ، دست با استدلال می زند . مثلاً در این آیات که هدف بیان احاطه

رحم می باشد گویا مضمون آیه چنین است خدا از آنچه را که رحمها بر میدارند ، و از آنچه بر- نمیدارند ، و از بین می برند و می افزایند آگاه است (۱)

۳- جمله : وکل شیء عنده بمقدار: هر چیزی در نزد او اندازه معینی دارد ، اشاره به يك حقیقت علمی و فلسفی است که قرآن در سوره های مختلفی روی آن تکیه کرده است (۲) و مقصود از آن اینست که هر موجودی در نزد خدا ، حد معینی دارد زیرا لازمه معلول و مخلوق بودن داشتن حد و اندازه است در این صورت طبعاً هر موجودی محدود خواهد بود . و در پیشگاه خدا که نامحدود و نامتناهی است حاضر و از محیط وجود او غائب نخواهد بود .

در حقیقت این جمله مفسر علم وسیع خدا ، نسبت به آنچه که در آغاز آیه بیان شده می باشد و مفاد آن این است که ان الله بكل شیء محیط : حم السجده ۵۴ : و خداوند بر همه چیز محیط است (۳) گاهی این جمله بطور ساده تری تفسیر میگردد

و گفته می شود مقصود از آن اوضاع سه گانه رحم است که گاهی حمل خود را حفظ می کند و یا گاهی بر آن می افزاید و احیاناً از بین می برد و این اوضاع مختلف برای این است که هر چیزی نزد خدا اندازه معینی دارد و تمام کارهای او روی حساب و اندازه است و هرگز اراده او بی جهت و نسنجیده به حفظ و یا زیادی حملی و یا کم کردن آن ، تعلق نمی گیرد ۵- روز و شب ، و همچنین آشکار و پنهانی يك سلسله مفاهیم نسبی است ، که در محیط ما ، که يك محیط نسبت است مفهومی دارند ، تاریکی شب مانع از دیدن انسان است در عین حال ، برخی از حیوانات در دل شب ، پرواز می کنند ، و می بینند چون وجود مامحدود است و بر اثر نارسائی دیدگان موجودات در شب از دیده ما مخفی می باشند طبعاً قسمتی از جهان از ما پنهان خواهد بود ، ولی برای موجود محیط و برتر (خدا) تمام غیبهها ، شهود است و پنهان و آشکار برای او مفهومی ندارد.



(۱) کشف ج ۲ ص ۱۶۰ . در تفسیر این دو جمله دو نظر دیگر است که برای اختصار از نقل آنها خودداری نمودیم .

(۲) به سوره های حجر آیه ۳۱ و فرقان آیه ۲ و طلاق آیه ۶۵ مراجعه فرمائید .

(۳) المیزان ج ۱۱ ص ۳۴۶